

حق را پیش می‌گرفتم.

۲۸ - يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا

خَلِيلًا .

: وای بر من ای کاش فلانی را به دوستی نمی-

گرفتم .

۲۹ - لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي

وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُوْلًا .

: او مرا از فرمان خدا (قرآن) پس از ابلاغ به

من ، بازداشت ؛ و شیطان مایه ذلت و خواری انسان
است .

۳۰ - وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي

اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوْرًا

: پیامبر می‌گوید : پروردگارا قوم من؛ قرآن را

متروک داشتند (و به آن توجه ننمودند)

۳۱ - وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا

مِنَ الْمُجْرِمِيْنَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيْرًا .

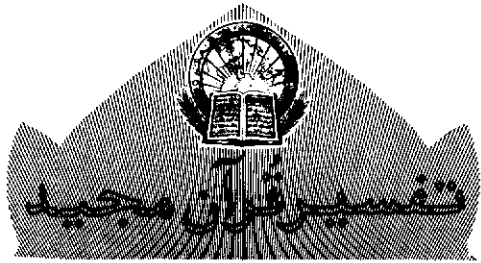
: مانند تو ، برای هر پیامبری از افراد گنهگار ؛

دشمنانی قرار داده‌ایم و کافی است که پروردگارتو
رهبر و یاور تو است .

هر فردی در دوران زندگی به‌ویژه در فصل شباب

و جوانی ، روی کشش طبیعی و خواست فطری ،

به رفاقت و دوستی علاقه دارد، زیرا یک دوست صمیمی



سوره فرقان

آیه‌های ۲۷-۳۱

آنها که سر نوشت

انسان را می‌سازند!

۲۷ - وَ يَوْمَ يَعْصِي الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ

يَقُوْلُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُوْلِ سَبِيْلًا .

: روزی که ستمگر به‌عنوان پشیمانی، دست‌به

دندان می‌گیرد و می‌گوید ای کاش به‌همراه پیامبر راه

صالح وی آرایش بایک فرد تبهکار و خطرناک طرح دوستی می‌ریزد، و سرنوشت خود را به دست وی می‌سپارد.

گاهی در وجود انسان همه نوع آمادگی برای پذیرش حق وجود دارد؛ اما یک دوست نامناسب همه را بر باد می‌دهد؛ و گاهی برعکس، همه نوع زمینه‌های زشتی در فردی وجود دارد؛ اما یک رفیق خوب و صالح؛ تمام زمینه‌های بد را به زمینه‌های مساعد و سازنده تبدیل می‌کند.

از این جهت در آیه‌های مورد بحث می‌فرماید که ستمگران؛ روز ستاخیز تنها از این مسأله ابراز ناراحتی می‌کنند که چرا با پیامبر آشنا نشدند؛ و چرا با افراد منحرف طرح رفاقت ریختند چنانکه می‌فرماید:

يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً :

ای کاش به همراه پیامبر راه حق را پیش می‌گرفتم

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِيلاً

وای بر من ای کاش فلانی را به دوستی نمی-

گرفتم .

تأثیر دوست در سرنوشت انسان به قدری است که

پیامبر گرامی درباره آن می‌فرماید :

هر فردی بروش و آئین دوست خود می‌باشد (۲)

چه بسا افراد تبهکار؛ وقتی پای چوبه‌دار می-

رسند؛ و می‌دانند که چراغ زندگی آنان چند لحظه

دیگر به خاموشی خواهد گرائید؛ پرده از روی راز

علاوه بر اینکه مایه انس و الفت می‌باشد؛ می‌تواند انسان را در بسیاری از امور مادی و معنوی کمک و یاری دهد و شخصیت او را تقویت کند، و استعداد های نهفته او را شکوفان ساخته و به فعالیت در آورد، بالاخص دوستی‌های دوران جوانی که در توسعه شخصیت انسان؛ نقش مهمی را ایفاء می‌کند.

امیر مؤمنان درباره چنین دوستی می‌فرماید: هر کسی دوست شایسته خود را که به خاطر خدا با او پیوند دوستی بسته بود، از دست بدهد، بسان این است که شریفترین عضو خود را از کف بدهد (۱)

گرایش به گرفتن دوست از مسائل فطری و طبیعی است و هر فردی نسبت به آن از نهاد، کشش دارد از این جهت لازم نیست در این باره؛ بیش از این گفتگو کنیم و یاد دیگران را به دوست‌گیری دعوت نمائیم.

نقطه حساس و مهم در موضوع رفاقت انتخاب دوست و اندازه‌گیری حدود رفاقت است، که در سرنوشت انسان تأثیر به‌سزائی دارد.

دوستی بزرگسالان غالباً بایکدیگر، باراهنمائی عقل انجام می‌گیرد تا از وضع اخلاقی فردی آگاه نباشند و یا از دیگر جهات وی مطمئن نگردند با کسی طرح دوستی نمی‌ریزند؛ از این جهت دوستی این چنین افراد حساب شده و پایدارتر می‌باشد.

اما دوستی جوانان با همسالان خود؛ نوعاً از احساسات تندی سرچشمه گرفته و دور از محاسبات عقلی انجام می‌گیرد از این جهت گاهی یک جوان

(۱) من فقد اخافی الله فکانما فقد اشرف اعضائه. غرر الحکم ص ۲۲۳

(۲) لاتحکموا علی رجل بشيء حتی تنظروا الی من یصاحب فانما يعرف الرجل باشکاله واقرانه

وینسب الی اصحابه و اخذانه. مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۶۲

اصولا هر نوع انقلاب و «رفورم» دشمن سازو مخالف تراش است. انقلاب ایده‌ای منافع گروهی را به خطری می‌افکند، و خشم آنان را در مسیر ضد انقلاب برمی‌انگیزد.

افرادی که از هر نوع مبارزه شانه خالی می‌کنند، می‌خواهند طوری زندگی نمایند که همه طبقات از آنان راضی گردند و پس از مرگ، «بدن او را مسلمان بازمزم بشوید و «هندو» بسوزاند» نمی‌توانند افراد هدفی و مسلکی باشند.

مسیحیان جهان افتخار می‌ورزند که آئین آنان آئین مهر و محبت است، و مسیح آنان می‌شمرودت می‌باشد ولی آنان از يك نکته غفلت ورزیده‌اند که مهر تنها نمی‌تواند اجتماع را نجات بخشد بلکه مهر و مودت باید با حقیقت نیز توأم گردد مثلا در عین اینکه باید به یتیم و بی‌نوا مهر ورزید و به فکر کمک افتادگان و درماندگان بود؛ باید دست گنهکار را برید، و زنان و مردانی را که دامن عفت خود را آلوده ساخته‌اند تازیانه زد، زیرا اجراء کيفر؛ درباره افراد مجرم؛ مهريست که زمامدار مردم به اجتماع مبدول می‌دارد.

چنین کيفرها بسان سکه دورویه است؛ برون آن تنديست و خشم، ولی درون آن مهراست و علاله. قرآن مجيد يك جا پیامبر را «رحمة للعالمين» (۱) معرفی می‌کند ولی در جای دیگر او را «نذير» و بیم دهنده و مجری کيفرها و فرمانها می‌داند (۲) باید توجه نمود که جلب عواطف گروهی بر اثر

خود برمی‌دارند، و عامل اصلی بدبختی خویش را دوستی‌های نسنجیده و رفیق بد معرفی می‌کنند، صفحات حوادث جرائد؛ گواه گویا بر چنین اعتراف و اقرارها است.

یکی از راههای شناسائی افراد، بسررسی مصاحبان و دوستان آنان است؛ دوست انسان بهترین معرف شخصیت و بازگو کننده روحیه انسان به شمار می‌رود، تا آنجا که در احادیث اسلامی از حضرت سلیمان نقل شده است که روزی آن حضرت به مردم چنین گفت:

درباره کسی به خوبی و بدی داوری نکنید تا لحظه‌ای که مصاحب‌های او را بشناسید زیرا بهترین معرف انسان؛ همان هم‌تاها و اقربان او است و بی‌وسه با صفات و روحیات هم‌نشین معرفی می‌شوند.

شخصیت دشمن سازاست

مردان حق و مصلحان جهان که برای اصلاح جامعه و پیشبرد حقیقت دست به مبارزه می‌زنند، عداوت و دشمنی گروهی از گنهکاران آلوده را به خود جلب می‌کنند؛ حتی پیامبران که هیچ نقطه ضعفی در وجود آنان نبود، و از هر نوع آلودگی پاک و مصوم می‌باشند؛ همگی بدون استثناء عداوت گروهی را برانگیخته و دشمنانی داشتند.

تنها کسانی دشمن ندارند که خویش را از هر گونه مبارزه اجتماعی بی‌زون بکشند؛ و به هیچ گونه فعالیت مثبتی دست نزنند چنین افرادی با عداوت کسی روبر نمی‌شوند.

(۱) سوره انبیاء آیه ۱۰۷

(۲) انارسلناک بالحق بشیرا و نذیرا - بقره ۱۱۹

بوده است !

علت این که خداوند می فرماید : ما آنان را دشمنان پیامبران قرار دادیم این است که ریشه دشمنی این افراد اجرای دستورهای خدا و پی ریزی دگرگونی در زندگی جامعه بود ، که به ضرر گروهی تمام می شد و خشم آنان را برمی انگیزیت .

* * *

ممکن است افراد فاسد و ظالم از این موضوع سوء استفاده کنند و بگویند که اگر ما دشمنانی داریم جای شگفت نیست پیامبران نیز چنین بودند ! ولی قرآن با يك تعبیر کوتاه به این گونه افراد پاسخ می دهد که دشمنان شما و دشمنان پیامبران تفاوت دارند و آن اینکه دشمنان پیامبران همیشه از مجرمان و گنهکاران بودند ؛ در صورتی که دشمنان ستمگران ، طبقه صالح و پاک اجتماع می باشند . سرانجام ؛ خداوند به پیامبر خود وعده می دهد که از وجود دشمن نهراسد زیرا کافی است که خداوند «هادی» و رهرو بار و یاور او است چنانکه می فرماید : **و كَفَىٰ بَرِّك هَادِيًا وَنَصِيرًا** .

عدم اجراء قوانين يك نوع محبت كاذب و مهرمضر ، بر پیکر اجتماع است که باید از میان برود .

قرآن برای محو این نوع مهرورزیهای مضر ؛ دستور می دهد که رأفت و مهربانی به زنان و مردان آلوده ، مانع از اجراء حدود و قوانین الهی نگردد چنانکه می فرماید :

وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ (سوره نور آیه ۱-)

رأفت و مهربانی مانع از اجراء قوانین دین خدا نگردد .

پیامبران که پایه گزاران دگرگونیهای عمیق در زندگی افراد بودند ، و با اجراء قوانین و کيفرها ، خشم گروهی را بر می انگیزتند در هیچ دوره ای ، صفحه زندگی آنها ؛ خالی از دشمن نبود چنانکه می فرماید :

«و كَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنْ اٰنۡمِجۡرِمِيۡنَ»

یعنی : ای پیامبر گرامی اگر افراد مجرم به عداوت و دشمنی تو کمر بسته اند ؛ پیامبران پیشین نیز مانند تو بودند و برای هر پیامبری دشمنی از افراد مجرم

نام خوب

پیامبر اسلام (ص) فرمود :

سَمُّواْ اَوْلَادِكُمْ اَسْمَاءَ الْاَنْبِيَاءِ

: نام فرزندان خود را از میان نامهای پیامبران برگزینید

(سفينة البحار ج ۲ ص ۶۸۲)